

بررسی نقش محله های دروازه دار در ارتقای احساس امنیت ساکنین؛ (مطالعه موردی: شهر شیراز)

تاریخ دریافت: ۸۸/۶/۱

تاریخ پذیرش: ۸۸/۷/۳۰

دکتر علی سلطانی^۱، سمانه مزینی^۲

چکیده

مسئله و هدف: زندگی در جوامع دروازه دار موجب افزایش احساس امنیت ساکنان آنها می شود، کدام ویژگی کالبدی این جوامع در میزان احساس امنیت ساکنان نقش مؤثر و معناداری دارد؟ هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش جوامع دروازه دار در ارتقای احساس امنیت ساکنان ناحیه های شهری شهر فارس است.

روش: با توجه به شواهدی ضد و نقیض در مورد تأثیر جوامع دروازه دار بر احساس امنیت و پیوندهای اجتماعی بین ساکنان، در این تحقیق ساکنان مجتمع های دروازه دار و ساکنان نواحی اطراف آنها به عنوان دو گروه اصلی مورد مقایسه قرار گرفته اند. بدین منظور مطالعه میدانی در دو ناحیه متفاوت در شهر شیراز و مشتمل بر انتخاب تعداد هشت مجتمع مسکونی دروازه دار انجام گرفته است. از مجموع حدود ۱۴۰۰۰ خانوار ساکن در این مجتمع ها و منطقه پیرامونی آنها تعداد ۴۰۰ مورد بصورت تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. با استفاده از پرسشنامه هایی که بر مبنای مبانی نظری موجود تنظیم شده و توسط سرپرست خانوار یا همسر او پاسخ داده شده است، اطلاعات فردی و اقتصادی-اجتماعی جمع آوری و احساس امنیت ساکنان جوامع دروازه دار مورد مطالعه و منطقه بافر اطراف آنها ارزیابی گردیده است.

یافته ها و نتایج: نتایج نشان می دهد که جوامع دروازه دار در صورتی که با نظارت رسمی همراه باشند به میزان قابل توجهی در افزایش احساس امنیت ساکنان مؤثر هستند. احساس امنیت در بین ساکنان آنها به طور مستقیم از سطح کنترل رسمی ورودی و خروجی ها و عوامل اجتماعی (مانند همبستگی اجتماعی، روابط بین همسایه ها و حس تعلق به جامعه محلی) تأثیر می پذیرد. از بین ویژگی های کالبدی جوامع دروازه دار، وجود دروازه قابل کنترل بیشترین تأثیر را بر میزان امنیت ساکنان دارد. همچنین شاخص همبستگی اجتماعی در بین ساکنان جوامع دروازه دار مورد مطالعه به میزان قابل توجهی بیشتر از سایرین بوده است. در حالی که در شاخص کیفیت زندگی از نظر ساکنان بین جوامع دروازه دار و منطقه اطراف آنها تفاوت معناداری مشاهده نشده است.

کلید واژه ها

محله دروازه دار / احساس امنیت / جرم / همبستگی اجتماعی.

مقدمه

رفتار مردم در مقابله با جرم بی شباهت به تلاش آنها برای پیشگیری از بیماری نیست. از جمله تمهیداتی که برای جلوگیری از نفوذ مجرمان به محل زندگی اندیشیده می‌شود برپا کردن حصار یا دیواری در اطراف محل زندگی است که معمولاً دارای یک یا چند ورودی کنترل شده است. به چنین مجموعه‌هایی اصطلاحاً محله‌های دروازه دار گفته می‌شود (Low, 2003:11). سابقه ایجاد محله‌های دروازه دار به نخستین سکونتگاه‌های ساخته انسان برمی‌گردد. شهرهای قدیمی به منظور حفاظت از ساکنان و مایملک آنها دارای دیوار و دروازه بودند؛ چنانچه گفته می‌شود فلسفه غارت-دفاع یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری سکونتگاه‌های اولیه بوده است (حبیبی، ۱۳۷۸). امروزه نیز این ایده، به طرق مختلف پیاده می‌شود. ورودی محله‌های دروازه‌دار با استفاده از موانع ساختاری، مکانیکی، الکترونیکی یا انسانی کنترل می‌شوند.

در کشور ما ساخت مجموعه‌های مسکونی که دارای خصوصیات جوامع دروازه‌دار هستند رواج یافته است. با نگاهی به سابقه ایجاد این نوع جوامع در نقاط مختلف دنیا مشخص می‌شود با توجه به زمینه‌های محلی، عوامل متعددی بر گسترش جوامع دروازه دار مؤثر هستند. علاوه بر مسئله امنیت، عواملی از قبیل افزایش ارزش املاک و منافع مالی برای سازندگان، ترجیحات و تمایلات خریداران خانه‌ها به جدایی فیزیکی و اجتماعی، کنترل ترافیک عبوری، نقصان در مساوات اجتماعی و منافع سیاسی نیز در سطح وسیعی موجب گسترش چنین مجموعه‌هایی می‌شود (Blandy et al, 2003; Low, 2003).

باید توجه داشت ایجاد مجتمع‌های دروازه دار می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی بر زندگی ساکنان آنها و حتی نواحی اطرافشان داشته باشد. جدایی فیزیکی و اجتماعی یکی از موضوع‌های بحث انگیز در ارزیابی تأثیرات این سبک زندگی است. از طرفی حصارها و دروازه‌ها می‌توانند موجب تعریف محدوده تحت نفوذ ساکنان و افزایش حس قلمروگرایی در بین آنها شوند و از طرف دیگر می‌توانند به طور کاذب تصور افراد از امنیت را افزایش دهند.

بر اساس ادبیات نظری، خانواده‌ها اغلب زندگی در جوامع دروازه‌دار را به خاطر امنیت و اعتبار اجتماعی آن انتخاب می‌کنند. برای افراد در هر طبقه درآمدی مسائلی مانند کنترل فیزیکی محیط، امنیت روانی، محافظت در برابر مجرمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. توانایی در کنترل محیط فیزیکی یکی از قوی‌ترین جذابیت‌های جوامع دروازه‌دار است. با کاهش و نظارت بر ترافیک عبوری، ساکنان این جوامع موقعیت انحصاری را می‌آفرینند و تصور می‌کنند ریسک برخورد با مهاجمان و مجرمان را کاهش می‌دهند. یک دروازه یا گارد نشانه‌ای است از یک زمین دارای امتیاز یا محدوده‌ای که نفوذ به آن سخت است (Flusty, 1997).

آیا حس جامعه‌گرایی در بین ساکنان جوامع دروازه‌دار تفاوت معناداری با میزان این حس در بین ساکنان محله‌های فاقد دروازه و حصار دارد؟ با پاسخ به این سؤال در این تحقیق به تأثیر جوامع دروازه‌دار در میزان پیوندهای اجتماعی به طور خاص حس جامعه‌گرایی در بین ساکنان آنها پرداخته شده است. در ادبیات نظری موجود در مورد تأثیر این جوامع بر کاهش جرم یا حفاظت از ارزش اموال ساکنان آنها اتفاق نظر وجود ندارد. ادعا می‌شود زندگی در این جوامع موجب تقویت پیوندهای اجتماعی می‌شود در حالی که تعاملات بین ساکنان آنها به میزان قابل توجهی کم است (Lang & Danielsen, 1997). در واقع بسیاری از شواهد در این رابطه غیرقابل استناد و متناقض هستند. توسعه دهندگان و برنامه‌ریزان اصرار دارند که محله‌های دروازه‌دار می‌تواند حس جامعه‌گرایی را افزایش دهد (Blakely & Snyder, 1998)، در حالی که محققان این مطلب را تأیید نمی‌کنند (Merry, 1993; Wilson-Doenges, 2000).

در مورد جنبه‌های امنیتی این جوامع می‌توان گفت، سمبل‌های معمارانه مانند دروازه‌ها و دیوارها باعث می‌شود بسیاری از ساکنان احساس امنیت بیشتری در محل زندگی‌شان داشته باشند. با این حال برخی از شواهد تجربی نشان می‌دهد محله‌های دروازه‌دار لزوماً دارای امنیت بالاتری نسبت به محلات بدون دروازه نیستند (Low, 2003). در واقع، دروازه‌ها و دیوارها ممکن است تنها منعکس‌کننده ترس و یادآور خطر در آن طرف دیوار باشند بدون آنکه تأثیر چندانی در بهبود امنیت داشته باشند.

در این تحقیق از دیدگاه امنیت به موضوع جوامع دروازه دار پرداخته می شود. سؤال اصلی این است که "آیا زندگی در جوامع دروازه دار موجب افزایش احساس امنیت می شود؟" برای پاسخ به این سؤال علاوه بر مقایسه میزان احساس امنیت ساکنان جوامع دروازه دار با سایرین، به عوامل مؤثر بر احساس امنیت نیز پرداخته شده است؛ زیرا علاوه بر محیط فیزیکی محل زندگی، عوامل فردی و اجتماعی-اقتصادی نیز بر احساس امنیت افراد مؤثر هستند. آیا افرادی که از محیط فیزیکی محله خود رضایت بیشتری دارند، از احساس امنیت بیشتری برخوردارند؟ صرف نظر از تأثیر خصوصیات فردی و اقتصادی (از قبیل جنسیت، سن و میزان درآمد)، آیا رابطه ای بین میزان حس جامعه گرایی افراد و احساس امنیت آنها وجود دارد؟

در صورتی که زندگی در جوامع دروازه دار موجب افزایش احساس امنیت ساکنان آنها می شود، کدام ویژگی کالبدی این جوامع (مانند وجود حصار، وجود دروازه کنترل شده به وسیله نگهبان یا دوربین مدار بسته، وجود نگهبانان مسئول گشت زنی در داخل مجتمع در طی شب یا روز) در میزان احساس امنیت ساکنان نقش دارد؟

پیشینه مطالعاتی

سوابق و شواهد تاریخی

ایجاد محله های دروازه دار مدرن در آمریکا و انگلستان در دهه های اخیر در پی رواج فرهنگ جدایی گزینی اجتماعی و خصوصی سازی فضایی افزایش یافته است. این محله ها اکثراً برای حفاظت ساکنان از مزاحمت مجرمان خارجی شکل گرفتند، گاهی نیز از این روش برای جلوگیری از تهدیدات امنیتی گروه های خاص نسبت به نواحی مجاور و کنترل کردن دسترسی و تبادلات ساکنان این محله ها با محیط خارج استفاده می شود (Schneider & Kitchen, 2007). در مواردی، این حصارها و دروازه ها بیشتر جنبه سمبلیک و زیبایی شناختی داشته و برای ایجاد تشخص در محلات مربوط به اقشار برخوردار به کار می روند. در این صورت دروازه ای گران قیمت نصب می شود و حصار آن تنها قسمتی از محله را پوشش می دهد. لوئیس مامفورد^۱ (1961) معتقد

است که دیوار اطراف شهر قرون وسطی به شهر ظاهری جزیره مانند می‌بخشید و علاوه بر کارکرد دفاعی، از ارزش سمبلیک بالایی برخوردار بود. در واقع نمادی از تملک مکان و متعلقات آن تلقی می‌شد. چنین دیوارهایی، اهمیت روانی بسیاری داشته و احساس وحدت و امنیت ایجاد می‌کردند. تفکر دیوارکشی، جداسازی فضایی و تقسیم کاستی‌گونه، عمیقاً در اروپا ریشه داشته و به عنوان ابزاری برای حفاظت طبقه ثروتمند از توده‌ها به‌کار می‌رفته است (Low, 2003). در آمریکا این محله‌ها ابتدا برای حفاظت از ساکنان مهاجر در مقابل تهاجم بومیان ساخته شدند، اما به مرور برای انفعال طبقات درآمدی، مخصوصاً در جنوب و غرب آمریکا مورد استفاده قرار گرفت. این اندیشه، در انگلستان نیز به سرعت گسترش یافت. بلندی و همکارانش^۱ (۲۰۰۳) ادعا می‌کنند که نزدیک به یک هزار محله دروازه‌دار طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۳ در انگلستان ایجاد شده، که اکثراً در محدوده مادر شهر لندن و جنوب شرقی انگلستان قرار دارند. این پدیده تنها به آمریکا و انگلستان اختصاص نمی‌یابد. محله‌های دروازه‌دار در آمریکای لاتین، چین، فیلیپین، اندونزی، نیوزیلند، جنوب آفریقا، آلمان، فرانسه، کشورهای سوسیالیست شرق اروپا، بخشی از دنیای عرب مانند مصر، لبنان و عربستان سعودی و مراکز توریستی در سواحل اسپانیا به دلایل مختلف رواج یافته‌اند و در مناطق مختلف دارای معانی فرهنگی متمایزی هستند. مثلاً در عربستان سعودی، محله‌های دروازه‌دار محل زندگی کارگران تبعیدی و در مسکو اجتماع خانه‌های بیلاقی سوسیالیست‌هاست. در آسیای جنوب شرقی، زندگی امنی برای ساکنان در مقابل فقر شدید محیط اطراف تأمین می‌کنند و در جنوب آفریقا، ساکنان را از خشونت‌های شهری حفاظت می‌کنند. در بلغارستان و چین محلات انحصاری برای خانواده‌های ممتاز به‌شمار می‌آیند و در اروپای غربی به منزله خانه‌های دوم طبقه برخوردار یا خانه‌های سازمانی کارمندان می‌باشند (Low, 2003).

به‌طور کلی آنچه در بسیاری از نمونه‌های خارجی مشهود است، این است که محله‌های دروازه‌دار بیشتر بر مبنای جدایی‌گزینی اجتماعی یا نژادی شکل گرفته‌اند و معمولاً گروه خاصی در آنها زندگی می‌کنند. همچنین جوامع دروازه‌دار می‌توانند

محیط اجتماعی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم کنترل کنند. به صورت غیرمستقیم از طریق قیمت منازل و کنترل افرادی که به آن جامعه وارد می شوند، به طوری که تنها به گروه های خاص نژادی یا طبقه خاص اجتماعی-اقتصادی اختصاص یابند (Blakely & Synder, 1997).

نصب حصار و دروازه به عنوان روش مؤثری برای دور کردن افراد و فعالیت های ناخواسته از اموال ساکنان شناخته می شود. تقریباً همه جوامع دروازه دار دارای هیئت مدیره برای حفاظت از ارزش اموالشان به وسیله کنترل محیط محله هستند (Fischel, 2000; Lang, 2003).

بلیک لی و اسنیدر (1997) معتقدند خانواده های متوسط و بالاتر جوامع دروازه دار را برای ایجاد جدایی اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی خود از خانواده های کم درآمد و اقلیت ها معرفی کردند.

جوامع دروازه دار فواید روانی برای بعضی خانواده ها ارائه می کنند. دروازه تأکیدی است بر وضعیت اجتماعی خانواده های مرفه و وسیله ای برای دور نگه داشتن ناشناخته هاست. دروازه یادآور غیرقابل پیش بینی بودن دنیای بیرون از آن است (Guterson, 1992). دروازه ها به طور سمبلیک جامعه را از دنیای خارجی و همه مشکلاتش جدا می کند. با وجودی که ممکن است در واقعیت امنیت ساکنان این جوامع بیشتر از سایرین نباشد، آنها در خارج از مجموعه خود احساس امنیت کمتری نسبت به داخل آن دارند (Low, 2001).

بر اساس نظریه های «جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^۱» و فضای قابل دفاع، رفتارهای شهروندان برای حفاظت خود در برابر موقعیت ها و مکان های جرم خیز را می توان به سه صورت دسته بندی کرد: کنترل دسترسی^۲، نظارت^۳ و قلمروگرایی^۴.
 ۱- کنترل دسترسی: منظور از آن سخت کردن دستیابی به هدف و محدود کردن ورود غیر قانونی است. ۲- نظارت: فعالیتی است برای جلوگیری از جرم و شامل رفتارهای مراقبتی شهروندان مانند گزارش کردن فعالیت های مشکوک یا جرم آمیز، نگهبانی رسمی یا غیررسمی، و اصلاح محیط فیزیکی برای افزایش حوزه قابل مشاهده می شود (CPTED).

1. Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED)

2. Access control

3. Surveillance

4. Territoriality

۳- قلمروگرایی: رفتارهای شهروندان (مانند تعیین کردن مرز املاک توسط علائم سمبلیک) که نشان دهنده علائق مالکانه نسبت به دارایی هاست، تحت عنوان «قلمروگرایی» دسته بندی می شوند؛ هر چند قلمروگرایی کاملاً مستقل از کنترل دسترسی و نظارت نیست (Lavrakas & Lewis, 1980).

دروازه دار کردن یک سخت گردانی هدف است که باعث می شود دسترسی به هدف بالقوه برای ارتکاب به جرم سخت تر شود. هرچند این کنترل دسترسی به طور همزمان بر استفاده کنندگان مجاز از محیط نیز تأثیر می گذارد. هر چند که تصور می شود محدود کردن مناطق مسکونی باعث افزایش احساس مسئولیت و مشارکت ساکنان می شود، گاهی ممکن است باعث کاهش امنیت گردد. زیرا با سپردن مسئولیت مراقبت به مأموران یا سیستم های امنیتی، همسایه ها کمتر به افراد مشکوک در محله توجه می کنند (Lang & Danielsen, 1997; Blakely & Snyder, 1997).

مطالعات انجام شده برای شناخت محرک های مؤثر بر جذب افراد به جوامع دروازه دار نشان می دهد که امنیت، ایمنی و ترس از جرم اغلب به عنوان انگیزه های اصلی برای زندگی در جوامع دروازه دار است. به طوری که اکثر مطالعات از لحاظ روش تحقیق و شیوه گردآوری اطلاعات (ارسال پرسشنامه از طریق پست، مصاحبه کیفی با ساکنان و فعالان کلیدی مانند برنامه ریزان و سازندگان و بازدید از مجموعه های مسکونی) مشابه بودند. همچنین این مطالعات از نظر اندازه، زمینه و نمونه مورد مطالعه با هم تفاوت هایی داشتند.

نتایج مطالعه کاروالهو و همکارانش^۱ (۱۹۹۴) در شهرک سائوپائولو برزیل نشان می دهد که ۸۰ درصد صاحبان املاک، برنامه ریزان و سازندگان معتقدند که ایمنی و امنیت از دلایل اصلی سکونت آنها در جوامع دروازه دار می باشد.

بلیکلی و سیندلر (۱۹۹۸) در شهرهای مختلف آمریکا از جمله سانفرانسیسکو، لس آنجلس و میامی، با استفاده از ۷۰۰۰ پرسشنامه، بررسی مدارک موجود، مصاحبه با افراد کلیدی و بازدید از مجتمع ها نتیجه گرفتند امنیت و ترس از جرم از اهمیت ویژه ای برای ساکنان برخوردار بوده است. با توجه به نوع مجتمع ها، دیگر عوامل دیگر

اهمیت امنیت را محدود می سازند. برای مثال، پرستیژ، چیدمان و آرامسازی ترافیک به عنوان عوامل مؤثر بر تصمیم افراد برای زندگی در جوامع دروازه دار معرفی شدند. لو^۱ (2001) در دو منطقه سن آنتونیو در تگزاس و کوئینز در نیویورک با استفاده از ۱۰ مصاحبه در هر مجموعه و مشاهده رفتار ساکنان و تحلیل محتوایی یافته ها، نتیجه گرفت ۹۰ درصد افراد به دنبال ایمنی و امنیت بوده اند. ترس از جرم و ترس از دیگران به عنوان عوامل مؤثر بر امنیت افراد شناخته شده است. کاستل^۲ (1997) در لندن با استفاده از پرسشنامه نتیجه گرفت تسهیلات و امنیت دلیل اصلی افراد برای زندگی در جوامع دروازه دار بوده است. توجه به جامعه محلی عامل چندان مهمی نبوده است. لیستر و بلندی^۳ (2002) در شفیلد انگلستان، با استفاده از پرسشنامه و تحلیل کمی مجموعه داده های به دست آمده نتیجه گرفت اولویت اصلی برای اکثر ساکنان امنیت بوده و توجه جامعه محلی از اولویت برخوردار نبوده است.

عوامل مؤثر بر ترس از جرم

چنانچه اشاره شد ترس از جرم و تلاش برای کاهش آن، یکی از دلایل توسعه جوامع دروازه دار است. مفهوم «ترس از جرم» چیست و دامنه اثر گذاری آن تا چه حدی است؟

شکل شماره یک رابطه بین ترس از جرم را در حالت های مختلف در قالب یک ماتریس نشان می دهد. هنگامی که ترس از جرم با میزان واقعی جرم متناسب نیست، تمرکز راهبردها بر اصلاح دیدگاه عمومی و آگاه سازی مردم است. در وضعیت ایده آل، این دو مقیاس هر دو در سطح پائینی قرار دارند. در بررسی مسئله امنیت در جوامع دروازه دار، این موضوع حایز اهمیت است که آیا میزان وقوع جرم در این جوامع نسبت به محیط اطراف کمتر است یا اینکه ساکنان آنها صرفاً احساس امنیت بیشتری نسبت به سایرین دارند. در برخی موارد مشاهده شده که نرخ جرم در منطقه کاهش یافته ولی

1 . Low

2 . Castell

3 .Lister & Blandy

ترس از جرم افزایش پیدا کرده است. سوگیری آمارهای منتشر شده از رسانه ها می تواند تعادل بین میزان وقوع جرم و ترس از جرم را برهم زند.

↑ ترس از جرم	سطح جرم پائین و ترس از جرم زیاد	سطح جرم بالا و ترس از جرم زیاد
	تمرکز بر ترس و عوامل مؤثر بر آن توسعه راهبرد مناسب برای مقابله با عوامل فوق تمرکز بر تصور و دیدگاه عوام	توسعه راهبرد مؤثر برای کاهش جرم. تناسب داشتن ترس از جرم با میزان واقعی جرم
	سطح جرم کم و ترس از جرم کم	سطح جرم بالا و ترس از جرم کم
	وضعیت ایده آل حفظ این وضعیت و استفاده از مدل آن برای کمک به فعالیت های دیگر محلات	تمرکز بر ارتباطات و بالابردن آگاهی عمومی ترویج مشارکت عمومی در فعالیت های جلوگیری از جرم
	→ سطح جرم	

شکل شماره یک: متریس ترس از جرم منبع: (Kitchen & Schneider, 2007)

در اینجا با استفاده از مطالعات تجربی موجود به بررسی عواملی پرداخته می شود که در افزایش احساس امنیت و کاهش ترس از جرم مؤثرند. این عوامل را در یک طبقه بندی کلی می توان به دو دسته عوامل اجتماعی-اقتصادی و عوامل کالبدی تقسیم کرد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 دانشگاه جامع علوم انسانی

الف) عوامل اجتماعی - اقتصادی
 عوامل فردی همانند جنسیت، سن، نژاد و سطح درآمد و همچنین عوامل روانی- اجتماعی بیرونی مانند شناختن یکی از قربانیان جرم و ضعف در همبستگی اجتماعی باعث بروز ترس در بین افراد جامعه می شود (Grohe, 2006).

بعضی مطالعات اظهار می کنند که در بعضی محله های دروازه دار با درآمد بالا، حس امنیت همسایه ها بالاتر است (Bakely & Synder, 1997)؛ در حالی که مطالعات دیگر اظهار می کنند که تفاوت در درآمد تأثیری بر امنیت این محله ها ندارد (Clarke,)

2003). سابقه قبلی قربانی شدن در ترس افراد از مواجهه با جرم نقش دارد و میزان آن برای انواع جرم متفاوت است. هرچه جرمی خشونت بارتر باشد و با تهاجمات بدنی همراه شود ترس بیشتری را در قربانی ایجاد می کند؛ همچنین "تأثیر انتشار" آن نیز بیشتر است، یعنی در قربانیان ترس شدیدی از انواع دیگر جرم که تجربه نکردند نیز ایجاد می کند. مشاهده شده که قربانیان سرقت منزل بهتر می توانند بین جرائم تمایز قائل شوند و تجربه قربانی شدن تنها ترس آنها را در مورد سرقت منزل بیشتر می کند. این ممکن است به خاطر آن باشد که در بسیاری از موارد مردم سرقت منزل را به عنوان تهدید خارجی (خارج از محیط محله) تصور می کنند، ولی وقتی قربانی تصور کند که تهدید از درون جامعه محلی خودش است، ترس از جرم خیلی بیشتر می شود و پایایی بیشتری دارد (Low, 2003).

ب) عوامل فیزیکی و کالبدی

تحقیقات بسیاری بر تأثیر بستن خیابان یا کوچه، به عنوان ابزاری برای کنترل دسترسی تمرکز یافته اند. این مؤلفه مهمی در محله های دروازه دار است ولی به هیچ وجه تنها مؤلفه آن نیست. برای مثال، باسانس^۱ (1999) اثر هشت متغیر کالبدی بر اساس اصول CPTED میزان وقوع جرم را در ایالات متحده آمریکا بررسی کرد و دریافت که از بین آنها مجاورت کاربری ها، کنترل دسترسی و حرکت خودروها و عابران دارای روابط قوی تری با جرائم مربوط به املاک بودند و نظارت طبیعی^۲ ضعیف ترین رابطه را با نرخ این نوع جرائم داشته است.

چارچوب نظری تحقیق

ایجاد جوامع دروازه دار با هدف تأمین امنیت بیشتر صورت می گیرد، ولی آیا آنها واقعاً امنیت بیشتری دارند؟ گروهی معتقدند جوامع دروازه دار موجب جذب جرم می شوند؛ زیرا در آنها خانواده های ثروتمند در یک محدوده متمرکز شده اند. از طرفی گروهی دیگر معتقدند با وجودی که ممکن است جرم در درون محدوده محله های دروازه دار

1 . Bassanese

2 . Natural surveillance

کم باشد، ولی در خیابان‌های اطراف به همان میزان زیاد است (Bakely & Synder, 1997).

مطالعه چینی و راتکلیف (Chainey & Ratcliffe, 2005) در خصوص تأثیر کوچه‌های دروازه‌دار در انگلستان بر کاهش میزان سرقت منازل بیانگر کاهش ۵۰ درصد در نرخ سرقت در طی دوره یک ساله بوده است. با وجودی که ساکنان محله‌های دروازه‌دار ممکن است احساس امنیت بیشتری داشته باشند، هیچ کاهش واقعی در نرخ جرم در این محله‌ها وجود ندارد (Bakely & Synder, 1997).

سانچز و همکاران^۱ (2005) با ارزیابی امنیت و وضع اجتماعی خانوارها در محله‌های دروازه‌دار عنوان کردند که دروازه‌دار بودن یا نبودن محلات، تأثیری در احساس امنیت ساکنان ندارد. همچنین یافته‌های سرپاس^۲ (1998) در بررسی میزان تأثیر اصول محله‌های دروازه‌دار نشان می‌دهد که حصار کشی هیچ تأثیری بر تصور ساکنان از کاهش فعالیت‌های جرم خیز یا ترس از جرم نداشته است.

هلسلی و استرنج^۳ (1999) معتقدند که سیاست دروازه‌دار کردن محلات ممکن است تأثیرات مقطعی در کاهش جرم داشته باشد. با این حال، اگر باعث کاهش میزان اشتغال در آن محله شود، با فرض ثابت ماندن دیگر مؤلفه‌ها، در دراز مدت میزان وقوع جرم را افزایش می‌دهد. این یافته‌ها با اهداف طرح «ارتقای امنیت محله-محور»^۴ در تعارض است. نتایج ارزیابی طرح ارتقای امنیت محله-محور در کشورهای آمریکا، انگلستان و کانادا انجام گرفته به شرح زیر است: (Clark, 2003):

نخست آنکه؛ همه مطالعات (به استثناء مطالعه انجام گرفته در ونکوور)، تأثیر بستن خیابان و کوچه در جلوگیری از وقوع جرم را مثبت دانسته‌اند. در ۹ مورد از ۱۱ مورد از این مطالعات، مداخلات کنترل دسترسی به همراه تقویت فعالیت‌هایی مانند افزایش نگهبانی، افزایش توجه و حساسیت ساکنان محلات بوده‌اند. به سختی می‌توان تأثیرات مداخلات مختلف را از هم جدا کرد. نکته قابل توجه اینکه، تأثیرات مثبت در جلوگیری از وقوع جرم به سرعت از بین می‌روند. این موضوع توسط شواهدی که از

1 . Sanchez et al

2 . Serpas

3 . Helsley & Strange

4 . Community Oriented Policing Program(COPS)

مطالعات ونکور، هاتفورد و لس آنجلس به دست آمده اثبات می شود. در واقع جرایم پس از اینکه مجرمان با تغییرات ایجاد شده تطبیق یافتند یا زمانی که مداخله کمرنگ می شود دوباره رخ می دهند (Schneider & Kitchen, 2007).

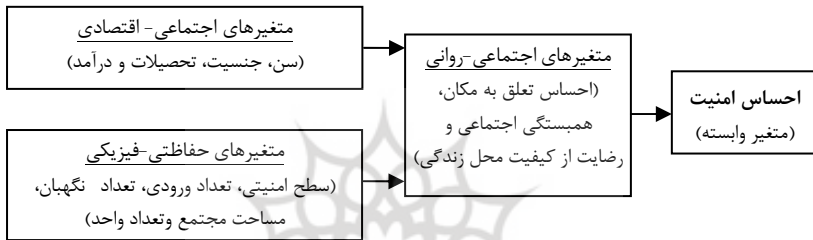
به هر حال شواهدی وجود دارد که ایجاد محله های دروازه دار با بستن خیابان ها و کوچه ها ممکن است بر کاهش بعضی جرائم در بعضی محلات خاص اثر بگذارد. با این حال، تأثیر چنین اقداماتی معمولاً مقطعی بوده، مگر اینکه تأثیر مداخله در طی زمان، توسط نگرهبانی یا هماهنگی های محلی تقویت شود.

ویلسون دوئنگس^۱ (2000) یکی از معدود محققانی است که جوامع دروازه دار کم درآمد را در مقایسه با جوامع با درآمد بالا در زمینه ایمنی و حس جامعه گرایی بررسی کرده است. او حس جامعه گرایی، احساس امنیت و نرخ جرم در دو منطقه با درآمد بالا و دو منطقه کم درآمد در نیویورک بیچ، کالیفرنیا، را مقایسه کرد.

نتایج این تحقیق نشان می دهد در محله های پردرآمد، تنها در حس جامعه گرایی ساکنان تفاوت معناداری وجود دارد. برای خانواده های پردرآمد، جوامع دروازه دار، بر خلاف تصور عمومی، دارای حس جامعه گرایی کمتری است. به علاوه، هیچ تفاوتی در مورد حس جامعه گرایی بین جوامع دروازه دار و بدون دروازه در محله های دارای خانواده های کم درآمد گزارش نشده است. در حالی که نرخ جرائم خیلی کم تفاوت می کند بین جوامع دروازه دار و بدون دروازه در محله های کم درآمد و پردرآمد، خانواده های کم درآمد هیچ تفاوتی در تصور از امنیت و همبستگی اجتماعی نشان نداده اند. گروه های با درآمد بالا در طی روز تفاوتی نداشتند ولی در شب، ساکنان جوامع دروازه دار پردرآمد احساس امنیت بیشتری نسبت به ساکنان خارج از این مجموعه ها داشتند. ساکنان جوامع دروازه دار پردرآمد احساس می کردند محله شان از دیگر محله ها امنیت بیشتری دارد، حتی با وجودی که در نرخ واقعی جرم تفاوتی بین محله ها وجود نداشت. ولی جوامع کم درآمد تفاوت خاصی را در این مقایسه مشاهده نشده است.

1 . Wilson-Doenges

بر اساس آنچه در بالا گفته شد، خصوصیات اجتماعی-اقتصادی ساکنان و نیز مشخصه‌های کالبدی محیط نقش بسزایی در ارتقای شاخص های روانی-اجتماعی همانند احساس تعلق به مکان و همبستگی اجتماعی دارند. احساس امنیت خود تابعی از این شاخص ها بوده و دارای رابطه دیالکتیک با آنهاست. بنابراین، می توان به یک مدل مفهومی به شرح شکل شماره ۲ دست یافت. در بخش بعد با استفاده از داده های تجربی جمع آوری شده از محدوده های مطالعاتی به بررسی و واکاوی این مدل پرداخته می شود.



شکل شماره ۲- مدل مفهومی تحقیق

بر این اساس، در این تحقیق دو محله کم درآمد و دو محله مرفه نشین در شهر شیراز انتخاب شده اند به طوری که در هر دو محله تعدادی مجتمع مسکونی دروازه دار وجود داشته باشد. سپس ساکنان جوامع دروازه دار در هر محله با ساکنان منطقه بافر اطراف آنها که فاقد مجموعه های مسکونی دروازه دار هستند به عنوان دو گروه اصلی این تحقیق مقایسه شده اند. پس از بررسی خصوصیات فردی و اقتصادی این افراد، فرضیه‌های زیر بین دو گروه اصلی تحقیق مورد آزمون قرار گرفته اند:

- احساس امنیت ساکنان جوامع دروازه دار با ساکنان منطقه بافر اطراف آنها (مناطق فاقد دروازه یا حصار) تفاوت معناداری دارد؛
- میزان همبستگی اجتماعی بین ساکنان جوامع دروازه دار با میزان این شاخص در بین ساکنان منطقه بافر اطراف آنها تفاوت معناداری دارد؛

- بین تصور افراد از کیفیت کالبدی محل زندگی و میزان احساس امنیت آنها رابطه معناداری وجود دارد؛
- بین میزان استفاده از تمهیدات امنیتی در مجتمع های دروازه دار (سطح امنیتی تعریف شده برای هر مجتمع) با احساس امنیت ساکنان آنها رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسایی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش پیمایشی است و هدف آن بررسی تأثیر حصارکشی و ایجاد محله های دروازه دار بر احساس ایمنی ساکنان است^۱. با استفاده از تحلیل های آماری وجود تفاوت معنادار در میزان احساس امنیت بین ساکنان مجتمع های دروازه دار با مناطق فاقد دروازه بررسی می شود. بر اساس پیشینه تجربی موجود، خصوصیات فردی و اجتماعی-اقتصادی ساکنان در احساس امنیت آنها نقش دارد. بر همین اساس دو محله دارای مجموعه ای از مجتمع های مسکونی دروازه دار در شهر شیراز انتخاب شدند به طوری که یکی از محله ها دارای ساکنان کم درآمد (محله سهل آباد) و دیگری دارای ساکنان با درآمد متوسط و بالا (محله معالی آباد) به نسبت سایر مناطق شهر هستند. بدین ترتیب در جامعه آماری مورد مطالعه ساکنان با وضعیت مالی متنوع وجود دارند. با استفاده از جداول موجود برای تعیین حجم نمونه بر اساس جمعیت جامعه آماری، در سطح ۵ درصد خطا با سطح اطمینان ۹۵ درصد، در هر محله ۲۰۰ خانوار به عنوان جامعه نمونه برای تحقیق بر اساس روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند؛ به طوری که نیمی از آنها در جوامع دروازه دار و نیمی دیگر در منطقه بافر اطراف آن (به شعاع ۵۰۰ متر) ساکن بودند. تعداد نمونه گیری به نسبت تعداد واحدهای مسکونی در مجتمع ها متفاوت بوده است. پرسشنامه های تحقیق در هر خانوار توسط سرپرست خانوار یا همسر او پاسخ داده شد به طوری که در هر خوشه آماری نیمی از پاسخگویان را خانم ها و نیمی دیگر را آقایان تشکیل دادند.

۱. در این تحقیق تنها جرائمی بررسی می شود که محیط محله نقش قابل توجهی در ایجاد فرصت برای آنها دارد. مانند: خرابکاری، سرقت از منزل و اتومبیل یا اشیاء داخل آن، سرقت موتورسیکلت و دوچرخه؛ ایجاد مزاحمت برای خانم ها.

مجتمع‌های دروازه دار مورد مطالعه دارای دامنه مختلفی از تمهیدات امنیتی بوده و ساکنان آنها نیز از طبقات مختلف اجتماعی-اقتصادی هستند. به منظور کنترل نقش سایر متغیرها در مقایسه‌های انجام شده، میزان درآمد ماهیانه ساکنان به عنوان متغیر اقتصادی و شاخص‌های همبستگی اجتماعی و میزان تعلق خاطر افراد به محل زندگی به عنوان متغیرهای اجتماعی در هر محله بین ساکنان جوامع دروازه دار و ساکنان منطقه بافر اطراف آنها مقایسه شده است.

برای ارزیابی متغیرهای اجتماعی، احساس امنیت و کیفیت کالبدی محیط از نظر ساکنان بر اساس ادبیات نظری موجود از تعدادی عبارات اخباری استفاده شده است. نظرات پاسخگویان نسبت به این عبارات با استفاده از مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت^۱ ارزیابی شده است. از طریق این مقیاس می‌توان حساسیت، نگرش، تعلق یا باور و احساسات پاسخگو را تعیین کرد. هنگامی که عبارات مقیاس بر اساس ارزش‌های عددی امتیاز بندی شدند، امتیاز هر پاسخگو نسبت به هر عبارت یا سؤال تعیین می‌شود. سپس امتیاز کل هر پاسخگو که مجموع امتیازهای او نسبت به تمامی عبارات یک موضوع است به عنوان پاسخ سنجیده هر پاسخگو در مورد موضوع (شاخص) مورد نظر محاسبه شده است (خاکی، ۱۳۸۴: ۲۵۸). بدین ترتیب از مجموعه چندین طیف لیکرت، برخی متغیرهای تحقیق به صورت فاصله‌ای محاسبه شدند.

الف- تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم: بر اساس مطالعات انجام شده توسط چاوایس و مک میلان، این شاخص به صورت «میزان تعلق خاطر افراد به یکدیگر و اهمیت دادن به سایرین و تعهد به حل مشکلات از طریق تشریک مساعی» تعریف می‌شود (Chavis et al, 198) ۶.

در این رابطه، از سؤالاتی در مورد میزان روابط و صمیمیت با همسایه‌ها، میزان شناخت ساکنان آپارتمان‌های مجاور و تمایل به شرکت در فعالیت‌های جمعی در مجتمع مسکونی استفاده شده که در تحقیقات پیشین (از جمله Schweitzer et al, 1999; Farooq, 1999, p. 112) برای ارزیابی این شاخص به کار رفته است. در مجموع به هر خانواده نمره‌ای از احساس همبستگی اجتماعی داده می‌شود. با توجه به وزن دهی

1 . Likert scale

انجام شده به پاسخ ها، دامنه این شاخص بین صفر تا یک بوده، به طوری که عدد یک نشانه بالاترین سطح همبستگی اجتماعی و عدد صفر بیانگر پایین ترین سطح همبستگی اجتماعی در بین افراد مجتمع است.

ب- شاخص احساس تعلق افراد به محل زندگی: برای تعیین این شاخص، سؤالاتی در مورد مدت زمان سکونت در محل، داشتن دوست یا اقوام در آن نزدیکی، میزان تعلق خاطر به محیط زندگی و تمایل به ترک مجتمع پرسیده شده است. این شاخص نیز در دامنه صفر تا یک قرار می گیرد و بیشترین مقدار احساس تعلق به مکان با عدد یک و کمترین مقدار تعلق خاطر با عدد صفر نشان داده می شود.

ج- کیفیت محل زندگی از نظر ساکنان: برای بررسی این موضوع، سؤالاتی در مورد ارزیابی آنها از وضعیت مدارس، پارک ها و زمین های بازی، نگهداری از ساختمان ها، نور و نظافت خیابان پرسیده شده است. همچنین از ساکنان خواسته شده تا نحوه عملکرد نیروی انتظامی در مقابله با جرم را ارزیابی کنند.

د- میزان احساس امنیت محیط: برای ارزیابی این متغیر، از هر فرد خواسته شده تا احتمال قربانی شدن خود یا افراد خانواده خود را در انواع جرم (احتمال به سرقت رفتن اتومبیل شان، جیب بری، مزاحمت برای نوامیس و سرقت منزل) بیان کنند. سؤالات تعیین کننده این شاخص با استفاده از مطالعات پیشین در مورد ارزیابی احساس امنیت افراد (از جمله Blakely & Synder, 1997; Serpas, 1998; Schweitzer et al, 1999; Grohe, 2006) تنظیم شده است. دامنه این شاخص صفر تا یک است، به طوری که یک مربوط به حداکثر احساس امنیت و صفر مربوط به حداقل احساس امنیت (حداکثر ترس از جرم) است.

ه- سطح امنیتی مجتمع: مجتمع های مورد مطالعه بر اساس سطح امنیتی به چهار گروه تقسیم شده اند. مجتمع های گروه ۱ دارای حصار و چندین دروازه برای عبور و مرور افراد و خودرو هستند ولی دروازه ها توسط نگهبان کنترل نمی شوند. مجتمع های گروه ۲ دارای حصار، دروازه و نگهبان هستند و رفت و آمد به درون مجتمع برای افراد غیرساکن محدودیتی ندارد. درحالی که عبور و مرور به مجتمع های گروه ۳ (دارای

حصار، دروازه و نگهبان) از محدودیت های ویژه برخوردار است. در این گروه مجتمع ها، افراد غریبه بدون هماهنگی با میزبان (فرد ساکن مجتمع) نمی توانند وارد مجتمع شوند. بر خلاف مجتمع های این سه گروه، تعداد واحد مسکونی در مجتمع های گروه ۴ کمتر از ۴۰ واحد است و نگهبان دائمی مجتمع کلیه ساکنان را می شناسد و امکان عبور و مرور افراد ناشناس به این مجتمع ها وجود ندارد.

یافته های تحقیق

۱- خصوصیات فردی و اجتماعی-اقتصادی

برای آشنایی با وضعیت اجتماعی-اقتصادی نواحی مطالعاتی برخی از خصوصیات کلی در جدول شماره یک آمده است. چنانکه پیش تر گفته شد ناحیه معالی آباد واقع در شمال غرب شیراز جزو نواحی برخوردار بوده؛ بنابراین انتظار می رود دارای میانگین بعد خانوار پائین تر و در عوض سطح درآمدی بالاتر باشد. علاوه بر این، درصد دارندگان مدارک تحصیلی بالاتر در این ناحیه بیشتر است.

جدول شماره یک ۱- خصوصیات فردی، اجتماعی و اقتصادی خانوارهای نمونه به تفکیک نواحی مورد مطالعه

محله	محل زندگی پسرخویبان	میانگین سنی سرپرست خانوار	میانگین بعد خانوار	درصد افراد در هر گروه تحصیلی							درصد افراد در هر گروه درآمدی	
				پسوند	سکول	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر	کمتر از ۳۰۰ هزار تومان	۳۰۰-۷۰۰ هزار تومان	بیش از ۷۰۰ هزار تومان
معالی آباد	جوامع دروازه دار	۴۷/۰	۴/۲	۳	۱۸	۳۲	۹	۲۹	۹	۲۷	۵۰	۲۲
	منطقه باقر	۴۴/۵	۴/۱	۰	۱۷	۳۱	۱۰	۳۲	۱۰	۲۶	۴۹	۲۵
سهیل آباد	جوامع دروازه دار	۴۷/۶	۴/۵	۱۰	۱۳	۳۸	۱۲	۲۲	۵	۴۰	۴۹	۱۱
	منطقه باقر	۵۰/۲	۴/۳	۱۶	۱۷	۳۶	۷	۲۱	۳	۴۶	۴۷	۷
کل		۴۷/۳	۴/۳	۷	۱۶	۳۴	۱۰	۲۶	۷	۳۵	۴۹	۱۷

برای اکثر ساکنان مجتمع های دروازه دار (۹۵ درصد) امنیت اولین نگرانی است. ساکنان فکر می کنند که آنها و همسایگان شان محل زندگی خود را درون سنگری مستحکم حفظ کرده و بدین ترتیب خود را در برابر جرم حفاظت کرده اند. اکثر پاسخ دهندگان (۸۰ درصد) معتقدند که جرم کمتری در این مجتمع ها نسبت به منطقه اطراف وجود دارد. این تفاوت در مجتمع های واقع در محله سهل آباد بیشتر (۹۰ درصد) بوده است. در جدول شماره دو معیارهای مورد بررسی در بین پاسخگویان به طور خلاصه ارائه شده است.

جدول شماره دو- سطح امنیتی و میانگین شاخص های اجتماعی به تفکیک نواحی مورد مطالعه

میانگین شاخص				نام مجتمع	ناحیه	محله
احساس امنیت	کیفیت محل زندگی	احساس تعلق به مکان	همبستگی اجتماعی			
۰/۹۷	۰/۶۱	۰/۱۲	۰/۵۷	ارتش	جولع دروازه دار	معالی آباد
۰/۹۷	۰/۵۶	۰/۱۱	۰/۵۸	صنایع الکترونیک		
۰/۸۴	۰/۶	۰/۳۱	۰/۵۴	گلدشت		
۰/۳۹	۰/۶۱	۰/۳۱	۰/۴۹	-	منطقه بافر	سهل آباد
۰/۹۹	۰/۴۸	۰/۴۷	۰/۵۵	اسکان ۳	جولع دروازه دار	
۰/۹۸	۰/۴۸	۰/۴۶	۰/۵۴	امام هادی		
۰/۹۹	۰/۴۷	۰/۴۷	۰/۵۴	پیام		
۰/۹۹	۰/۵۰	۰/۵۴	۰/۸۷	مروارید		
۰/۹۸	۰/۵۲	۰/۵۴	۰/۸۶	صدف	منطقه بافر	
۰/۸۴	۰/۵۴	۰/۳۰	۰/۴۲	-		
۰/۹۶	۰/۵۴	۰/۳۲	۰/۶۲	-	جولع دروازه دار	
۰/۶۱	۰/۵۷	۰/۳۰	۰/۴۵	-	مناطق بافر	

۲- خصوصیات کالبدی

وضعیت ظاهری ساختمان ها در مجتمع های خصوصی بسیار مناسب تر از خانه های سازمانی بوده و متأثر از قدمت ساختمان و نحوه تملک آن است. ساخت مجتمع های صنایع الکترونیک، ارتش و گلدشت در منطقه معالی آباد به قبل از انقلاب اسلامی

برمی‌گردد. با این حال در مجتمع گلدشت، آپارتمان‌های خصوصی بازسازی شده و ظاهر مناسب تری دارند. مجتمع‌های محله سهل آباد همگی حدود ۱۰ سال قدمت دارند و از وضعیت ظاهری نسبتاً خوبی برخوردارند. وضعیت مسکن در خانه‌های شخصی و خارج از مجتمع‌های دروازه دار در محله گلدشت معالی آباد بسیار مناسب‌تر از مجتمع‌های دروازه دار مورد بررسی در آنجا است. ولی در محله سهل آباد این وضعیت برعکس است و خانه‌های خارج از محدوده مجتمع‌ها معمولاً از کیفیت مناسبی برخوردار نیستند.

با وجودی که در اکثر خانه‌های خارج از این مجتمع‌های دروازه دار از ابزارهای خاص مانند قفل‌های خاص برای درب و پنجره‌ها، حصار کشی پنجره‌ها و دیوارهای اطراف حیاط منازل استفاده شده است، ولی در مجتمع‌های مذکور این‌گونه تمهیدات به چشم نمی‌خورد.

جدول شماره سه- مشخصات فیزیکی و حفاظتی مجتمع‌های مورد مطالعه

تعداد ورودی دارای نگهبان	تعداد واحد مسکونی	وضعیت تملک	تعداد طبقات	سطح حفاظتی	نام مجتمع	ناحیه
۵	۱۰۰۳	سازمندی	۹ و ۴	۳	زتش	گلدشت معالی آباد
۳	۸۷۱	سازمندی	۵ و ۴	۳	صنایع الکترونیک	
-	۵۰۰۰	شخصی - سازمندی	۹ و ۴	۱	گلدشت	
۱	۲۲۴	شخصی	۴	۲	اسکان ۳	سهل آباد
۱	۱۲۸	شخصی	۴	۲	امام هادی	
۱	۱۲۰	شخصی	۴ و ۳	۲	پیام	
۱	۳۸	شخصی	۴	۴	مروارید	
۱	۳۶	شخصی	۴	۴	صدف	
-	۷۴۲۰	-	-	-	-	مجموع

تحلیل فرضیه ها

نتایج حاصل از تحلیل همبستگی زوجی بین متغیرهای مختلف با متغیر احساس امنیت در جدول شماره پنج آمده است. از بررسی روابط همبستگی بین مشخصات اجتماعی - اقتصادی افراد و متغیر احساس امنیت مشخص می شود که تحصیلات و درآمد با احساس امنیت رابطه معناداری ندارد. همچنین تفاوت معناداری در احساس امنیت بین گروه های سنی مورد مطالعه مشاهده نشده است، البته می توان گفت که این مسئله تا حدودی ناشی از آن است که نظرسنجی تنها از والدین هر خانواده (پدر یا مادر) انجام گرفته است و سن افراد پاسخگو بین ۲۷ تا ۷۵ سال بوده و گروه های سنی با ویژگی های مختلف را در بر نمی گرفته است.

چنانکه انتظار می رود، متغیرهای همبستگی اجتماعی، کیفیت محل زندگی و احساس تعلق به مکان دارای رابطه همبستگی مستقیم و معناداری با احساس امنیت هستند.^۱ از بین متغیرهای حفاظت فیزیکی، متغیر سطح امنیتی دارای رابطه همبستگی مثبت و معناداری با احساس امنیت بوده ولی هرچه تعداد واحدهای یک مجتمع افزایش یابد یا آن مجتمع مساحت بزرگتری را در بر گیرد از احساس امنیت ساکنان کاسته می شود. به عبارتی دیگر، میزان کنترل پذیری یک مجتمع و احساس احاطه حفاظتی بر آن در افزایش احساس امنیت مؤثر است. برای مثال، در بعضی مجتمع ها مانند ارتش در ناحیه معالی آباد که تمهیدات خاصی برای ورود میهمانان رعایت می شود میزان ورود غریبه ها را به شدت کاهش می دهد. ولی اینکه افراد داخل مجتمع خود به یکدیگر صدمه زنند یا مرتکب جرم نشوند بستگی به مواظبت در داخل محوطه مجتمع دارد.

۱. با توجه به اینکه همبستگی اجتماعی وابسته به خصوصیات اجتماعی-اقتصادی می باشد، برای بررسی دقیق تر بهتر است از تحلیل های پیشرفته تر همانند همبستگی تفکیکی یا تحلیل مسیر استفاده کرد.

جدول شماره چهار- ضریب همبستگی بین متغیرهای مختلف با احساس امنیت (سطح اطمینان ۹۹ درصد)

متغیر	ضریب همبستگی	نوع ضریب همبستگی	ضریب معناداری آزمون همبستگی
گروه درآمدی	۰/۰۰۰	اسپیرمن	۰/۹۹۷
سطح سواد	۰/۰۸۱	اسپیرمن	۰/۲۵۱
گروه سنی	-۰/۱۳۶	اسپیرمن	۰/۰۵۵
همبستگی اجتماعی*	۰/۲۸۳	پیرسون	۰/۰۰۰
کیفیت محل زندگی*	-۰/۲۳۱	پیرسون	۰/۰۰۱
احساس تعلق به مکان*	۰/۲۶۹	پیرسون	۰/۰۰۰

* در سطح ۹۹ درصد اطمینان با شاخص احساس امنیت رابطه معناداری دارند.

جدول شماره پنج- مقایسه میانگین شاخص های اجتماعی و احساس امنیت بین دو گروه ساکنان جوامع دروازه دار و سایرین

متغیر	ضریب معناداری آزمون مقایسه میانگین	نوع آزمون مقایسه میانگین	ضریب معناداری تفاوت معنادار بین دو گروه
همبستگی اجتماعی*	۰/۰۰۰	T test	۰/۰۰۰
احساس تعلق به مکان*	۰/۰۱۱	T test	۰/۰۴۶
کیفیت محل زندگی	-	یومن ویتنی	۰/۳۹۵
احساس امنیت*	۰/۰۰۰	T test	۰/۰۰۰

* در سطح ۹۵ درصد اطمینان بین احساس امنیت افراد در دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد.

با استفاده از تحلیل واریانس نتایج زیر به دست آمده است:
همان طور که توقع می رفت، با استفاده از مقایسه های آماری جداگانه در هر محله مشخص شد که تفاوت قابل ملاحظه ای از لحاظ ویژگی های اجتماعی- اقتصادی ساکنان محله های دروازه دار با ساکنان نواحی مجاور آنها وجود ندارد.

سطح حفاظتی مجتمع تفاوت معناداری (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) در احساس امنیت ساکنان مجتمع های دروازه دار ایجاد نمی کند. هرچند به طور خاص احساس امنیت ساکنان مجتمع های دروازه دار با سطح حفاظتی یک کمتر از سه گروه دیگر است. از طرف دیگر، درحالی که رابطه معناداری بین احساس امنیت و نحوه اشغال ملک مشاهده نشده است.

همچنین تفاوت معناداری بین احساس تعلق به مکان در بین ساکنان با انواع نحوه اشغال ملک (سازمانی، صاحبخانه و مستأجر) وجود دارد. ساکنان خانه های سازمانی به میزان قابل توجهی کمتر از ساکنان خانه های شخصی (صاحبخانه یا مستأجر) به محل زندگی خود تعلق خاطر دارند.

با توجه به کم بودن تعداد افرادی که سابقه برخورد با مجرمان را داشتند نمی توان تحلیل دقیقی در مورد رابطه بین سابقه قربانی شدن و میزان احساس امنیت به دست آورد.

با بررسی رابطه همبستگی بین متغیر احساس امنیت (متغیر وابسته) و متغیرهای سن، گروه درآمدی و سطح سواد (متغیر مستقل)، مشخص می شود در نمونه مورد مطالعه بین هیچکدام از سه متغیر مستقل با احساس امنیت افراد رابطه معناداری مشاهده نمی شود.

تحلیل واریانس نشان می دهد احساس امنیت در بین زنان و مردان متفاوت است. میانگین احساس امنیت در زنان ۰/۹۰ و در مردان ۰/۹۳ است (ضریب معناداری آزمون t-test در مقایسه میانگین احساس امنیت بین دو گروه زنان و مردان ۰/۰۳۹ است).

خصوصیات های اجتماعی (همبستگی اجتماعی و احساس تعلق به مکان) در بین ساکنان جوامع دروازه دار و منطقه بافر اطراف آنها تفاوت معناداری دارد (جدول شماره پنج).

کیفیت زندگی از نظر افراد در هر محله بین دو گروه ساکنان جوامع دروازه دار و منطقه بافر اطراف تفاوت معناداری ندارد (جدول شماره پنج).

احساس امنیت ساکنان جوامع دروازه دار با منطقه بافر اطراف آنها تفاوت معناداری دارد (جدول شماره پنج).

بحث و نتیجه گیری

همان‌طور که در پیشینه موضوع عنوان شد، در بسیاری از نمونه های خارجی، محله‌های دروازه‌دار بیشتر بر مبنای جدایی‌گزینی اجتماعی یا نژادی شکل گرفته‌اند و معمولاً گروه خاصی در آنها زندگی می‌کنند. در کشور ما این نوع محله‌ها بیشتر بر اساس متولی ساخت مسکن از خانه‌های دیگر متمایز بوده و گاهی ساکنان آنها تنها با هم همکار هستند. در هر صورت، اکثر مجتمع‌ها از نظر نژادی یا طبقه فرهنگی و اجتماعی همگن نیستند. همین موضوع در کنار عوامل دیگر به پایین بودن نسبی همبستگی اجتماعی بین ساکنان و همچنین احساس تعلق خاطر پایین در بین آنها می‌انجامد. از طرفی دیگر، چنانکه گفته شد برخی مطالعات خارجی بیانگر آن است که دیدگاه‌ها در زمینه نقش محله‌های دروازه‌دار در ارتقای احساس امنیت ساکنان متفاوت بوده و بعضاً حکایت از کاهش احساس امنیت ساکنان می‌کند. با این حال، نتایج به‌دست آمده از تحقیق حاضر بیانگر آن است که از نظر ساکنان، این مجتمع‌ها امن‌تر از نواحی اطراف هستند. به عبارتی دیگر، این ارتقای امنیت هم در محلات نسبتاً متمدن (برخوردار) شهر (مانند معالی آباد) و هم در محلات کم‌درآمد با پتانسیل وقوع جرم بالاتر (مانند سهل آباد) مشهود است. احساس امنیت ساکنان تابعی است مستقیم از شاخص‌های اجتماعی-روانی همانند احساس همبستگی اجتماعی، کیفیت محل زندگی و احساس تعلق به مکان. از طرفی دیگر، سطح حفاظت فیزیکی و میزان کنترل‌پذیری یک مجتمع که با شاخص‌هایی همچون تعداد ورودی، کمیت گشت‌های پاسبانی، مساحت و تعداد واحدهای مسکونی بیان می‌شود نیز در تعیین میزان احساس امنیت ساکنان مؤثر هستند.

پیشنهادها

بدین ترتیب عوامل متعددی بر احساس امنیت افراد مؤثرند. در این میان کیفیت کالبدی محل زندگی به طور مستقیم و غیرمستقیم (از طریق تأثیر بر روابط اجتماعی ساکنان) بر احساس امنیت افراد اثرگذار است. با توجه به تأثیرات مثبت جوامع دروازه‌دار بر امنیت ساکنان پیشنهاد می‌شود مجموعه‌های مسکونی حتی المقدور

طوری طراحی شوند که علاوه بر نظارت رسمی، فرصت هایی را برای تقویت پیوندهای اجتماعی و نظارت غیررسمی بر محیط های نیمه عمومی تأمین کنند. این امر از طریق برگزاری فعالیت های جمعی بین همسایه ها و جلسات منظم برای تشریک مساعی بین ساکنان امکان پذیر خواهد بود. طراحی محیط های نیمه خصوصی برای ترغیب همسایه ها به جمع شدن و صحبت در این مکان ها می تواند تأثیر مثبت داشته باشد.

از نظر طراحی کالبدی محیط مجتمع پیشنهاد می شود برای تعریف محدوده جوامع دروازه دار از دیوارهای بلند و توپر استفاده شود. این دیوارها علاوه بر یادآوری ناامنی محیط پیرامون، موجب انزوای مسیرهای عبوری اطراف می شود. برای مثال، در محله سهل آباد شاهد بروز این مشکل هستیم. بنابراین پیشنهاد می شود دیوار بین مجتمع های دروازه دار حذف شده و با حصار یا پرچینی کوتاه جایگزینی شود. این تغییر می تواند دسترسی بصری به کوچه را بهبود بخشد. با وجودی که کنترل ورود و خروج به مجتمع برای نگهبانان کمی مشکل می شود ولی با این کار، کوچه نیز به قلمرو نیمه عمومی وارد می شود و نظارت رسمی و غیررسمی بر آن افزوده می شود. تملک کوچه به عنوان بخشی از حوزه مجتمع ها، میزان رفت و آمد و به تبع آن امنیت را افزایش داده و این مناطق را از انزوا نجات خواهد داد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

منابع

- حبیبی، م. (۱۳۷۸). از شار تا شهر تحلیلی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خاکی، غ. (۱۳۸۴). روش تحقیق با رویگری به پایان نامه نویسی، تهران: انتشارات بازتاب.

منابع انگلیسی

- Bassanese, S.,(1999), Property crime in townhouse developments: an assessment of physical design and crime rates", Master thesis of Landscape Architecture, University of Guelph, Canada.
- Blakely, E. J., -Snyder, M. G., (1997), Fortress America: gated communities in the United States, Brookings Institution press, Washington D.C.
- Blakely, E.J., Snyder, M.G.(1998), "Forting Up: Gated Communities in the United States", JNL of Architectural and Planning Research, vol. 15, no. 1, pp. 61-72.
- Blandy, S., Lister, D. F., Atkinson, R., Flint, J., (2003), "Gated communities: a systematic review of the research evidence", CNR Paper 12, April, pp. 1-65, [http://www.bris.ac.uk/sps/cnrpaperspdf/cnr12pap.pdf]
- Carvalho, M., George, R. & Anthony, K.(1997), "Residential Satisfaction in Condominos Exclusivos in Brazil.", Environment and Behaviour, vol. 29, no. 6, pp.734-768.

- Castell, B. (1997), An Investigation into Inward-looking Residential Developments in London, MA. thesis, University College, University of London.
- Chainey, S., Ratcliffe, J., (2005), GIS and crime mapping", John Wiley & Sons Ltd. England.
- Chavis, D. M., Hogge, J. H., McMillan, D. W., Wandersman, A. (1986) "Sense of community through Brunswik's lens: a first look", Journal of Community Psychology, 14, pp. 24-40
- Clarke, R. V., (2003), Closing streets and alleys to reduce crime: should you go down this road?, Problem-Oriented Guides for Police Response, Response Guide Series, No. 2, Office of Community Oriented Policing Services, US Department of Justice, Washington, D.C.,
- Farooq, A. (1999). "Social and spatial implication of community-based residential environments on crime in urban setting", Keating L., PhD thesis in Architecture, Georgia Institute of Technology
- Fischel, W., (2000), The home voter hypothesis: How home values influence local government taxation, school finance and land use politics. Hanover, NH: Department of Economics, Dartmouth College.
- Flusty, S., (1997), Building paranoia. In Architecture of fear, edited by N. Ellin, 47-60. New York: Princeton Architectural Press
- Grohe, B. R., (2006), Perceptions of Crime, Fear of Crime, and Defensible Space in Fort Worth Neighborhoods, PhD thesis, University of Texas at Arlington.
- Guterson, D. (1992). No place like home: On the manicured streets of a master planned community. Harper's Magazine, November, pp. 55-64.
- Helsley, R. W., Strange, W. C., (1999), "Gated communities and economic geography of crime", Journal of Urban Economics, Vol. 46, No.1, pp. 80-105

-Lang, R. E., Danielsen, K. A.,(1997), Gated communities in America: Walling out the world? Housing Policy Debate 8, Vol. 4, pp. 867-77.

-Lang, R. E.(2003). From virtue to value: Redefining the role of homeownership in America. Keynote talk by Robert Lang at the Western Knight Center for Specialized Journalism, the Annenberg School for Communication, University of Southern California. March 31.

[<http://www.mi.vt.edu/ConferenceSchedule/USC%20Web%20Posting.doc>]

-Lavrakas, P.J., Lewis, D. A., (1980), "The Conceptualization and Measurement of Citizen's Crime Prevention Behaviors", Journal of research in crime and delinquency, Vol. 17, No. 2

-Lister, D., Blandy, S.(2002), Dataset from study of English gated community.

-Low, S. (2001), "The Edge and the Centre: Gated Communities and the Discourse of Urban Fear", American Anthropologist, vol. 103, no. (1), pp. 45-58.

-Low, S., (2003), Behind the gates, Routledge, New York.

-Merry, S. E., (1993), Mending walls and building fences: Constructing the private neighborhood. Journal of Legal Pluralism, vol. 33, pp.71-90.

-Mumford, L., (1961), The city in history, NewYork: Harcourt, Brace, amd World.

-Newman, O.(1980). Community of interest. Garden City,NY: Anchor Press.

-Sanchez, T. W., Lang, R. E., Dhavale, D. M., (2005), "Security versus Status? A First Look at the Census's Gated Community Data", Journal of Planning Education and Research, Vol. 24, pp. 281-291.

-Schneider, R., Kitchen, T.,(2007), Crime prevention and the built environment, Routledge, London and New York.

-Serpas, R. W., (1998), Common-sense approaches with contradictory results: Does defensible space curb crime?, PhD thesis in Urban Studies, University of New Orleans.

-Wilson-Doenges, Georjeanna. (2000). An exploration of sense of community and fear of crime in gated communities. Environment and Behavior, vol. 32, No. 5, pp. 597-611.

